

## انقلابات مهم جهان

### مقدمه

در این مقاله انقلاب به خوبی تعریف شده ولی تعریف کلی آن به زیر باز می‌گردد: انقلاب در لغت به معنی زیر و رو شدن یا پشت و رو شدن است، فلاسفه انقلاب را این گونه بیان می‌نمایند که ذات و ماهیت یک شیء لزوماً عوض شده باشد و در نگاه جامعه شناسان انقلاب به معنای دگر شدن است حتی نباید بگوییم دگرگون شده زیرا دگرگون شدن یعنی اینکه گونه و کیفیتش جور دیگر شود. به عوض باید بگوییم دگر شدن یعنی تبدیل شدن به موجودی دیگر.

انقلاب در ایران دگر شدن جامعه ایرانی بود با یاری گرفتن از آموزه های اسلام ناب محمدی که زمینه ساز جامعه توحیدی می باشد.

### انقلاب

دگرگونی شدید، ناگهانی و سریعی است که در اوضاع کل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک ملت یا جامعه رخ می دهد و نظم اجتماعی، حقوقی و سیاسی مستقر را سرنگون نموده و نظم جدیدی را جایگزین آن نماید.

انقلاب معمولاً با خشونت، شورش، خونریزی و آشفتگی همراه است ولی در انواعی از آن نیز وجود نداشته و دگرگونی تدریجی و آرام است.

### انواع انقلاب

عده ای انقلاب ها را به دو دسته تقسیم کرده اند.

## ۱. انقلاب کلاسیک

استفاده از قوه قهریه برای اعمال زود و خشن به قصد ایجاد تغییرات در نظام حکومتی یک جامعه، برای برقرار کردن نظامی مبتنی بر قانون اساسی متفاوت یا بطور کلی ایجاد نوع دیگری از نظام حکومتی را گویند.

انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب مشروطه ایران و انقلاب روسیه را از نوع انقلاب کلاسیک پنداشته اند.

## ۲. انقلاب مدرن

عبارت است از ایجاد اصلاحات اساسی در زمینه های اقتصادی با استفاده از روشهای علمی و تکنولوژی.

## ویژگی های انقلاب

از ویژگی های بارز و اصلی یک انقلاب، وجود هدفهای بلند مدت آن به منظور انجام تغییرات تحولات اساسی است، حال آنکه این ویژگی در تحولات ناشی از کودتای نظامی معمولاً وجود ندارد.

اساساً جنبش هایی را که رهبران آن ها مدعی هستند صرفاً در جهت حفظ منافع ملی و علیه سیستم های فاسد صورت گرفته اند و مفاهیمی نظیر آزادی، عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی و... را شعار قرار داده اند نمی توانند به صرف این شعارها این جنبش ها را انقلابی نامید بلکه در توفیق و عدم توفیق هدف های انقلاب ملاک می باشد.

## استنباط چهارگانه انقلاب

۱. بر پایه اقتصادی بنا گردیده، انقلاب مبتنی بر پایه اقتصادی است.

۲. انقلاب یک پدیده در اصل اجتماعی است.

۳. انقلاب پدیده ای است حاصل از احساس بیگانگی و بی تفاوتی فرد به اجتماع.

۴. مبتنی بر شیوه ارسطویی، ماکیا ولی و جان لاک است و انقلاب را پدیده‌های

سیاسی می گویند و هدف آن را انتقال قدرت سیاسی قلمداد می کنند.

### علل انقلاب

ارسطو علل انقلاب را دو دسته : ۱. عمومی ۲. خصوصی پنداشته است.

علل عمومی در همه حکومت ها موجب انتقال می شوند، اما علل خصوصی تنها در نظام های سیاسی خاص به انقلاب می انجامد. مهم ترین علل عمومی نابرابری است. علت دیگر سودجویی و گستاخی فرمانروایان است که مردم را ضد حکومت و همه نهادها آن ها را می شوراند.

علل انقلابات خصوصی را بنا بر اقتصادی آنها،درباره هر یک مورد بررسی قرار داده، علت انقلاب در دموکراسی را،روی کار آمدن رهبران مردم،فریب و ستم کاری آنان در حق توان گران دانسته،در الیگارشی ها،بر عکس ستم کاری توان گران بر تهی دستان موجب می گردد.

مهم ترین علت انقلاب در حکومت های سلطنتی رشک بردن مردم به نیرو و شکوه شاه و درباریان و کینه جویی کسانی است که از سلطنت به سودی نرسیده یا آسیب دیده اند.

### انگیزه های انقلاب در قرون اخیر

انگیزه های مشترک انقلاب جهان را علیرغم الگوهای متفاوت آنان،می توان ناشی از

وقوع جنگ،استعمار و استثمار و نارضایی توده مردم دانست.

انقلاب از دیدگاه استاد مطهری

((انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا یک سرزمین، علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب. فرق انقلاب با کودتا در این است که انقلاب ماهیت مردمی دارد اما در کودتا قیام یک اقلیت مسلح به سر نیزه در مقابل اقلیت دیگری که حاکم بر اکثریت است.

## جنگ انقلابی

### تعریف جنگ انقلابی

جنگ انقلابی مرحله‌ای از بروز درگیری و خشونت بین نیروهای انقلابی حاکم یا دولت‌های بیگانه و حامیان آنها در داخل کشور یا خارج از مرزهاست.

### دید کلی

بطور کلی جنگ‌های انقلابی را به رغم داشتن یک یا چند عنصر از مفهوم انقلاب نمی‌توان دقیقاً یک انقلاب تلقی نمود. بلکه آن را باید بخشی یا فصلی از روند انقلاب بدانیم که در مرحله خاصی از جریان انقلاب برای ضربه زدن بر پیکره نهادهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نظام یا تضعیف قدرت، به آن نیاز می‌باشد.

### سیر تحولی و رشد

قبل از انقلاب ۱۹۱۷ نیروهای مارکسیست به رهبری لنین چهار سال تمام علیه نیکلای دوم، آخرین بازمانده نظام سلطنتی سلسله رومانف‌های شوروی، جنگیدند تا توانستند آن نظام را از پای در آورند و نظم جدید انقلابی مورد نظر خود را شکل دهند. برای آغاز این جنگ انقلابی لنین به هدیه کوچکی نیاز داشت که همان جنگ جهانی اول بود که در سال ۱۹۱۴ بین امپراتوری‌های روسیه، آلمان، اتریش، مجارستان، عثمانی و ایتالیا بوقوع پیوست. همچنان سیر تحولی جنگ‌های انقلابی ادامه یافت.

بررسی وضعیت اجتماعی دوران قبل از انقلاب فرانسه نشان می‌دهد که طبقات اجتماعی فرانسه از سه طبقه **روحانیون**، **نجبا** و **رعایا** تشکیل می‌شد و حکومت موروثی بود. طبقه نوپا و نو ظهور بوژوازی در اثر رونق تجارت و بازرگانی فرانسه با مستعمراتش به مال و ثروتی بیکران رسیده و مایل بود خود را به طبقه نجبا و بالای جامعه ارتقا دهد. از طرف دیگر وضعیت بد و نابسامان اقتصادی برای طبقات پایین اجتماع و نارضایتی عمومی مردم از امتیازات نابجای هیئت حاکم و مالیاتهای سنگین دولتی، آنها را به سوی جنگی انقلابی علیه لویی شانزدهم کشاند، تا اینکه انقلابیون پیروز شدند. و جامعه در نهایت به حالت تعادل و آرامش رسید.

### انواع جنگهای انقلابی

جنگ انقلابی داخلی: این نوع جنگ عموماً بین نیروهای انقلابی از یک طرف و قدرت حاکم از طرف دیگر صورت می‌گیرد. اهداف نیروهای مبارز، تضعیف حکومت و در نهایت واژگونی رژیم سیاسی حاکم است که به روشهای مختلف سیاسی، تبلیغاتی و نظامی صورت می‌پذیرد.

جنگ انقلابی خارجی: در این جنگ انقلابیون علیه دولتهای استعمارگر و حامی رژیم سیاسی حاکم می‌جنگند. و معتقدند که تا این نیروهای بیگانه در کشورشان حاکمیت داشته باشند، هیچگونه استقلال، پیشرفت و آزادی برای آنها معنی و مفهومی نخواهد داشت. آنها با تقویت احساسات ملی‌گرایانه و آزادیخواهی به بسیج نیروهای مردمی دست می‌زنند تا نیروهای بیگانه و عوامل داخلی را شکست دهند. این نوع مبارزه را مبارزه آزاد ببخش یا جنگ رهایی‌بخش نیز گفته اند.

## فرق انقلاب با کودتا

فرق انقلاب با کودتا این است که انقلاب ماهیت مردمی دارد ولی کودتا چنین نیست در دومی ، یک اقلیت مسلح و مجهز به نیرو ، در مقابل اقلیت دیگری که حاکم بر اکثریت جامعه است ، قیام میکنند و وضع موجود را در هم میریزد و خود جای گروه قبلی قرار میگیرد و این استقرار ارتباطی به صالح یا ناصالح بودن کودتاگران ندارد آنچه که اهمیت دارد اینست که در کودتا اکثریت مردم از حساب خارج هستند و در فعل و انفعالات نقشی ندارند.

ما ایرانیها در دوره عمر خودمان ، کودتاهای زیادی دیده ایم اگر چه دست اندرکاران آنها ، نام انقلاب روی عمل خود گذاشته اند در ۱۹۵۲ میلادی در مصر ، چند افسر که رأس آنها ژنرال نجیب و جمال عبدالناصر قرار داشتند علیه حکومت موجود کودتا کردند اما در جریان این کودتا که به انقلاب مشهور شد ، مردم مصر ، بیانخواستند و این بود که با رفتن آن افسران ، کان لم یکن شیئا مذکورا ، گوئی هیچ چیز وجود نداشته است در ایران خودمان ، در سال ۱۲۹۹ سید ضیاء و رضاخان کودتا کردند.

اما در این مورد هم مردم از حساب خارج بودند در تاریخ معاصر در چند قرن اخیر ، غیر از معدودی از تحولات عمیق اجتماعی نظیر انقلاب کبیر فرانسه ، انقلاب اکتبر و چیزهای که بشود نام انقلاب بر آن گذاشت واقع نشده است تازه حتی در انقلاب روسیه و یا در انقلاب چین ، ارتشی قوی و منظم در کنار مردم وجود داشت در میان این کودتاها و شبه انقلابها ، انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب به تمام معنی واقعی است که در واقع اگر قرار باشد نظیری برای آن پیدا کنیم ، شاید بتوانیم انقلاب صدر اسلام را مثال بزیم ماهیت انقلابی این انقلاب ، از بسیاری از انقلابهای اصیل در تاریخ ، اصیلتر است در این

انقلاب ، توده مردم یک سرزمین ، اکثریت افراد یک ملت ، از زن و مرد و پیر و جوان ، با دست خالی ، اما با روحیه ای انقلابی علیه یک رژیم قدرتمند قیام کردند و به پیروزی رسیدند.

در نقطه مقابل انقلاب ، اصلاح قرار داد معمولاً تغییراتی که در یک جامعه روی میدهد ، اگر بنیادی نباشد ، یعنی جامعه را از نظر بنیاد و ساختمان اصلی و نظامات حاکم ، دگرگون نسازد ، بلکه تنها تغییراتی در جهت بهبود اوضاع بوجود آورد اصلاح مینامند انقلاب و اصلاح تنها در مورد اجتماع صادق نیستند بلکه درباره افراد نیز صدق میکنند گاهی دیده می شود که وضع سلوک اخلاقی و رفتار اجتماعی یک فرد نسبت به گذشته بهتر می شود و اما گاهی نیز ، اساساً دگرگونی روحی در افراد پیدا می شود ، آنچنانکه گوئی این آدم امروز همان فرد سابق نیست توبه در اصطلاح بمعنی ایجاد یک انقلاب روحی و یک دگرگونی بنیادی در طرز عمل و سلوک و رفتار است.

### انقلاب روسیه

در مارس ۱۹۱۷م، انقلابی در روسیه، تزار روسی نیکولاس دوم را سرنگون ساخت. یک دولت لیبرال اداره امور را در دست گرفت. بلشویکها به رهبری لنین و تروتسکی از شوراهای کارگری خواستند تا قدرت را در دست گیرند. بلشویکها در طی انقلابی مجدد در نوامبر 1917 کنترل دولت را در اختیار گرفتند. نها به حرکت خود برای تاسیس اولین دولت کمونیستی ادامه دادند.

15 مارس ۱۹۱۷م

بعد از اینکه سربازان از سرکوب تظاهرات کارگران در پتروگراد « سنت پترزبورگ (امروزی) خودداری کردند، تزار روسیه، نیکلای دوم، از سلطنت استعفا می دهد. یک دولت موقت قدرت را در اختیار می گیرد.

آوریل ۱۹۱۷

لنین از تبعید در سوئیس به روسیه باز می گردد. او خواستار انقلابی دیگر برای ایجاد دولت کارگری می شود.

7 نوامبر ۱۹۱۷

گارد سرخ بلشویک (کارگران مسلح) و سربازان انقلابی و ملوانان اداره امور پتروگراد را در دست می گیرند. لنین در راس دولت انقلابی بلشویک، رهبر روسیه می گردد.

5 ژانویه ۱۹۱۸

مجمع موسسان برگزیده دموکراتیک، یک روز پیش از تعطیل شدن توسط دولت بلشویک تشکیل جلسه می دهد.

تابستان ۱۹۱۸

جنگهای داخلی در روسیه بین ارتش سرخ بلشویک و ارتشهای سفید مختلف که توسط حامیان تزار و قدرتهای خارجی مخالف بلشویک پشتیبانی می شدند، آغاز شد. فجایع و



قتل عامهای بسیاری از هر دو طرف رخ داد. بلشویکها تزار و خانواده اش را در اکاترینبورگ واقع در اورال (قزاقستان امروزی) کشتند.

**1920**

بلشویکها در جنگ های داخلی پیروز شدند و تسلط خود را بر اکثر نواحی امپراتوری روسیه سابق برقرار کردند.

**۱۹۲۱ مارس**

ملوانان در شورشکرونستاد، خواستار بازگشت دموکراسی شدند. ارتش سرخ، شورش را با خونریزی بسیار سرکوب می کند.

**۱۹۲۲**

اقتصاد در حال ویرانی است. لنین سیاسیت اقتصادی جدید خود را معرفی می نماید و بازار آزاد به شکل محدود را مجاز می شمارد. با این وجود، قحطی حداقل ۵ میلیون انسان را در طول زمستان از بین می برد.

**1923**

(USSR) اتحاد جماهیر سوسیالیست شوروی موسوم به اتحاد شوروی، تاسیس می گردد.

**1924**

لنین از دنیا می رود، سپس کشمکش بر سر اینکه چه کسی بعد از مرگ او بر اتحاد شوروی تسلط خواهد یافت، در می گیرد.

**1926**

استالین در درگیری قدرت، تروتسکی را شکست می دهد. دو سال بعد، تروتسکی اجباراً به خارج از کشور تبعید می شود.

**1929**

استالین همه قدرت را در دست گرفته و حرکتی سریع به سوی صنعتی شدن را آغاز می کند. رعیتها به کار در مزارع اشتراکی وادار می گردند. در نتیجه چین حرکتی، میلیونها نفر از قحطی جان می بازند. میلیونها نفر دیگر اعدام شده و یا به زندان ها افکنده می شوند.

**۱۹۳۶\_38**

استالین شروع به پاکسازی ارتش و حزب کمونیست می نماید. رهبران کمونیست در طی یک محاکمه نمایشی اعتراف و اقرار می کنند. محکومیت متهمین حتی پیش از محاکمه آنها مشخص شده و مایه استهزا تمام دستگاه قضائی بود. چهار پنجم افسران ارشد ارتش اعدام گشتند.

اوت ۱۹۳۹

استالین توافقنامه ای را با هیتلر به امضاء می رساند. آنها بر سر تقسیم لهستان به توافق می رسند.

**ژوئن 1941**

هیتلر در عملیات بارباروسا به اتحاد شوروی حمله می کند.

مه ۱۹۴۵

پس از شکست آلمان توسط متفقین، اتحاد شوروی اداره امور تمام شرق اروپا ونیمی از آلمان را در ست می گیرد.

**1953**

استالین می میرد. جانشینان وی، رئیس پلیس مخفی، لاورنتی بریا، را دستگیر و اعدام می کنند.

**1956**

رهبر جدید شوروی، نکیتا خروشچف در بیستمین کنگره حزب کمونیست شوروی، ستمگریهای استالین را افشا می نماید.

## حکومت وحشت استالین

ژوزف در سال ۱۹۲۹ م پس از جدال قدرتی که بعد از مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ بر سر جانشینی اش در گرفت، رهبر اتحاد شوروی گشت. حکومت استالین یکی از بدترین حکومت‌های استبدادی در طول تاریخ بود. او هر کسی را که مخالف رژیمش بود یا به زندان می انداخت و یا می کشت. پلیس مخفی میلیون‌ها نفر را به علت‌های پوچ و ناچیز دستگیر نمود و به گولاگ فرستاد. هم کمونیستها و هم غیر کمونیستها به مانند هم از به زندان افتادن، شکنجه و یا اعدام زجر می کشیدند.

جنگ جهانی اول از دلایل اصلی انقلاب روسیه بود. در سال ۱۹۱۴ م روسیه در مقایسه با اکثر کشورهای اروپایی، کشوری عقب مانده به حساب می آمد که بیشتر مردمانش فقیر بودند. هنگامیکه وضعیت زندگی استاد درجنگ جهانی اول شروع شد، حکومت سنتی تزار «نیکلاس دوم ۱۸۶۶-۱۹۱۸) «م) قادر به جنگ با دشمنانش نبود. شکست‌های نظامی روسیه در جنگ جهانی اول، بر عقب ماندگی این کشور صحنه گذاشتند. تا سال ۱۹۱۷ بیشتر مردمان روسیه خواستار برکناری سزار از مقام رهبری شدند.

## انقلاب ماه مارس ۱۹۱۷

در ماه مارس ۱۹۱۷، تزار از مقام خود استعفا داده، دولتی موقت در روسیه برپاگشت. دولت آزادیخواه جدید نیز مانند تزار نتوانست از عهده مشکلات روسیه بر آید. در مناطق روستایی، کشاورزان با تصاحب زمینها برای خودشان انقلابی به پا کرده بودند. ارتشی

ها شورش کرده و پست های خود را ترک می نمودند؛ در شهرها گرسنگی و بی کاری موج می زد .

## بلشویکها

گروهی از تندروهای سیاسی مارکسیست، که بلشویک نامیده می شدند، با دولت موقت به رهبری الکساندر کرنسکی (1881- 1924) به مخالفت برخاستند. رهبر بلشویکها، ولادیمیر ایلچ لنین (1870 – 1924) اعتقاد داشت که انقلابی سراسری تنها راه حل مشکلات روسیه است. در آغاز، بلشویکها گروه انقلابی کوچکی بودند، اما در سال ۱۹۱۷ سیطره نفوذشان بخصوص در شهرهای بزرگ بیشتر شد، چرا که آنان ظاهرا آنچه را که اکثر مردم بدنبالش بودند نوید می دادند: «صلح، زمین، نان».

## انقلاب ماه نوامبر

تا ماه نوامبر ۱۹۱۷، بلشویکها در شوراها (کمیته های انقلابی کارگان) صاحب اکثریت شدند. در روز هفتم نوامبر ۱۹۱۷، بلشویکها در یک کودتای نظامی که از جانب کارگران، نظامیان و ملوانان حمایت می شد، قدرت را در روسیه بدست گرفتند.

## آغاز رهبری لنین

لنین اعتقادی به دموکراسی نداشت. او بر این باور بود که بلشویکها نماینده پرولتاریا (طبقه کارگر) بوده و بایستی از زیر سلطه سرمایه داران خارج شوند. لنین یک حکومت «استبداد پرولتاریا» اعلام کرد که در واقع به معنی حکومت استبدادی بلشویک بود. (در سال ۱۹۱۸، حزب بلشویک به حزب کمونیست تغییر نام داد).

## بعد از انقلاب

زندگی در روسیه بعد از انقلاب بسیار دشوار گردید. از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ جنگ شدید داخلی باعث ویرانی کشور گردید. اقتصاد کشور از هم پاشید و مردم برای یافتن غذا شهرها را رها کرده و به روستاها پناه بردند. میلیونها نفر در اثر قحطی جان سپردند. با این همه، بلشویکها به حکومت خود ادامه دادند.

## اتحاد شوروی

در دهه ۱۹۲۰، اتحاد شوروی تنها کشور تک حزبی جهان گردید. تمام قدرت در دست حزب کمونیست بود و رهبر حزب، کشور را اداره می کرد، و به هیچگونه جریان مخالف اجازه فعالیت داده نمی شد. با این همه، زندگی برای اکثر روس ها قابل تحمل بود. به کشاورزان حق داشتن زمین و فروش محصولات کشاورزی اعطاء شده بود. مشاغل سرمایه داری نیز به طور جزئی در جریان بودند.

## تبلیغات بلشویکها

بلشویکها در نوامبر ۱۹۱۷، قدرت را در روسیه بدست گرفتند. آنها برای پیشبرد افکار سیاسی خود از پلاکاردها و پوسترها استفاده نمودند. یکی از شعارها چنین بود: قدرتی جدید به نام کمونیزم، در سراسر اروپا در حال شکل گیری است.

## حکومت استالین

در سال ۱۹۲۴، بعد از مرگ لنین، ژوزف استالین (1879- 1953) به قدرت رسید. از سال ۱۹۲۹ به بعد، استالین کشور را در جهت آشوب و ناآرامی سوق داد. او معتقد بود که اتحاد شوروی باید سرعت صنایع خود را رشد داده و انقلابی در صنعت کشاورزی بوجود آورد. او علیه کشاورزان اعلان جنگ کرد و زمینهایی که آنها در زمان انقلاب گرفته بودند را پس گرفت و مجبورشان کرد که در مزارع اشتراکی کار کنند. این اقدام استالین نتایج وحشتناکی به بار آورد. تولید محصولات بدتر از سایر نقاط بود. با این همه، برنامه صنعتی کردن روسیه یک موفقیت نسبی به شمار می آمد. اتحاد شوروی به سرعت به یک قدرت صنعتی مهم مبدل گشت.

## نوسازی روسیه

حکومت شوروی بالاخره موفق به نوسازی روسیه گشت، که این کار به قیمت جان افراد بیشماری تمام شد. در این حکومت، اقتصاد و دولت توسط یک حزب اداره می شدند. بسیاری از کشورهای جهان، این شیوه حکومتی را الگوی خود قرار داده اند.

## انقلاب فرانسه

در چهاردهم جولای ۱۷۸۹ میلادی، جماعتی از گرسنگان به زندان باستیل در پاریس، حمله کردند. فقرای پاریس که سان کولوت نامیده می شدند، از سیاستهای لویی شانزدهم، پادشاه فرانسه، به خشم آمده بودند. لویی که با بحران مالی شدیدی دست به گریبان بود، از مجلس طبقات عمومی در خواست کرد تا مالیاتها را افزایش دهد. این امر،

موجب بروز انقلاب فرانسه گردید و به مدت ۱۰ سال این کشور دچار هرج و مرج شد. لویی شانزدهم در سال 1792 اعدام شد و سرانجام، در سال ۱۷۹۹، هنگامی که ژنرال ناپلئون بنا پارت به قدرت رسید، انقلاب پایان پذیرفت.

مه ۱۷۸۹م

پادشاه فرانسه، لوئی شانزدهم، همه اعضای مجلس را فرا می خواند و از آنها می خواهد تا مالیاتها را افزایش دهند.

ژوئن ۱۷۸۹

اعضای مجلس سوم در زمین تنیس قصر پادشاه در ورسای تحصن می کنند و قسم یاد می کنند تا تغییر شیوه اداره فرانسه، با یکدیگر متحد باقی بمانند. آنها خود را به عنوان مجمع ملی اعلام می نمایند.

14 ژوئیه ۱۷۸۹

پاریسی های خشمگین با شنیدن اینکه سربازان پادشاه در راه هستند، ۳۰۰۰۰ تفنگ سر پر را از اسلحه خانه سلطنتی می دزدند. سپس آنها به زندان باستیل هجوم آورند. نبرد آغاز می گردد، اما زندان بدست مردم افتاده و قیام سراسر فرانسه را در بر می گیرد.



27 اوت 1789

مجمع ملی، بیانیه حقوق بشر و شهروندان را تصویب می کند. بر طبق این بیانیه، آزادی، یک حق طبیعی محسوب و تساوی تمام شهروندان در برابر قانون تضمین می گردد.

اکتبر ۱۷۸۹

کمبود مواد غذایی و شورشها ادامه می یابند. در پنجم اکتبر جمعیتی از مردم که اکثر آنها را زنان تشکیل می دادند از پاریس به سمت قصر پادشاه در ورسای، راهپیمایی و تقاضای نان می کنند. آنها اعضای خانواده سلطنتی را بعنوان اسیر با خود به پاریس می برند.

ژوئن ۱۷۹۰

اشراف، حقوق مربوط به القاب موروثی را از دست می دهند. کلیسا و اشراف، دارایی خود را مدیون این القاب هستند.

ژوئن ۱۷۹۱

پادشاه و خانواده اش سعی در فرار از فرانسه دارند، اما دستگیره شده و به فرانسه رجعت داده می شوند. هزاران تن از اشراف زادگان کشیشها و افسران ارتش که مخالف انقلاب هستند، فرانسه را ترک می گویند.

آوریل ۱۷۹۲

فرانسه علیه اتریش و پروسی که برای حمایت از پادشاه نقشه حمله به فرانسه را داشتند، اعلان جنگ می کند. این آغاز جنگهای انقلابی علیه نیروهای مشترک اتریش، پروس، انگلستان و اسپانیا است. آنها تا سال ۱۸۰۲ به مبارزه خود ادامه می دهند.

اوت ۱۷۹۲

رژیم پادشاهی و قانون اساسی ۱۷۹۱ در قیامی جدید بر انداخته می شوند. سیاسیون افراطی کنترل دولت انقلابی را در دست می گیرند.

سپتامبر 1792

انتخابات بر پا می گردد. برای اولین بار در تاریخ فرانسه، هر فرانسوی از حق رای برخوردار است. رژیم پادشاهی از میان می رود و در فرانسه یک جمهوری و دولت مردمی اعلام می گردد. از این پس، حتی پادشاه لوئی شانزدهم نیز یک شهروند خوانده می شود. شروع تقویم انقلابی از ۲۲ سپتامبر است.

ژانویه ۱۷۹۳

در یازدهم ژانویه لوئی شانزدهم به جرم خیانت و شرکت در توطئه با قدرتهای خارجی گناهکار شناخته شده و ۱۰ روز بعد اعدام می گردد.

۲ژوئن ۱۷۹۳

ژاکوبین ها، گروهی انقلابی افراطی به رهبری ماکسیمیلین روبسپیر، قدرت را در دست می گیرند. دوره وحشت آغاز می گردد.

**16 اکتبر ۱۷۹۳**

همسر لوئی شانزدهم، ماری آنتوانت، اعدام می گردد.

**28 ژوئیه ۱۷۹۴**

با اعدام روبسپیر و ۲۱ تن از یارانش دوره وحشت پایان می پذیرد.

**1795**

قرار داد صلح با پروس و هلند و چند ماه بعد با اسپانیا به امضاء می رسد. یک دولت جدید به نام «دیرکتوار» (هیت مدیره) تشکیل می یابد. این دولت چندان موفق نیست و نارضایتی بوجود می آید.

**1799**

ناپلئون بناپارت، یک ژنرال ارتش انقلابی، قدرت را در دست می گیرد. دولت «راهنما» به ناچار کناره گیری می کند. ناپلئون بسرعت امنیت را برقرار می سازد و خود را اولین کنسول می خواند.

**1802**

ناپلئون به عنوان کنسول اول مادام العمر، انتخاب می گردد.

ناپلئون خود را امپراتور فرانسه نموده و همسرش ژوزفین امپراتریس می گردد .  
زمانی فرانسه قدرتمندترین کشور اروپا بود. اما از اواخر قرن هجدهم، نظام حکومتی  
فرانسه، دچار بی کفایتی شده؛ دولت اغلب، کمبود پول داشت.

### گیوتین

در ۱۷۹۱، در سال پس از انقلاب فرانسه، حکومت دستگاه جدیدی را برای اعدام در  
ملاء عام به خدمت گرفت. این دستگاه که گیوتین نامیده می شود برای قطع سرانسان با  
سرعت و بدون درد، طراحی شده بود. اما بزودی تبدیل به سمبول خوفناک دوره وحشت  
گردید.

### مالیاتهای سنگین

رعایا و مزرعه داران تنگدست می بایست مالیاتهای سنگینی پرداخت می کردند و  
کارگرانی که در شهرها زندگی می کردند نیز همانند آنان در فقر و فلاکت می زیستند.  
اشراف زادگان وکشیشان مالیات اندکی پرداخت کرده و اغلب یا کار نمی کردند و یا  
بسیار کم کار می کردند. در سال ۱۷۸۸ افزایش قیمت مواد غذایی بر اثر برداشت اندک،  
بسیاری از مردم فقیر را ناتوان از پرداخت مالیاتهایشان نموده بود.

### الهام گرفتن از مردم آمریکا

وقایع این دوران خصوصا انقلاب آمریکا، مردم فرانسه را به تفکر در مورد شیوه اداره کشور خودشان واداشت. بسیاری از مردم خواستار آزادی بیشتر از حکومت مطلقه پادشاه بودند.

### مجمع ملی

در سال ۱۷۸۹، مواد غذائی بسیار کمیاب و قیمتها بسیار بالا بود. و دولت تقریبا ورشکست شده بود. وقتیکه لوئی شانزدهم (۹۳ - ۱۷۵۴) در ماه مه، اعضای مجلس را برای ریشه یابی مشکلات کشور فرا خواند، دیگر بسیار دیر شده بود. بسیاری از نمایندگان مجلس سوم (مردم عادی) شکیبائی خود را از دست داده بودند. آنها از خواسته لوئی برای افزایش مالیاتها اطاعت نکرده و خود را یک مجمع ملی اعلام نمودند.

### هجوم به باستیل

در ۱۴ ژوئیه ۱۷۸۹ ساکنان خشمگین پاریس، از ترس حمله سربازان پادشاه بسوی زندان باستیل هجوم بردند. این شورش منجر به شکل گیری قیامی در سرتاسر فرانسه به نام «ترس عظیم» شد. در ماه آینده، مجمع ملی، بیانیه حقوق بشر و اتباع را که مشخص کننده حقوق طبیعی تمام شهروندان و هم چنین خواستار سطح عادلانه مالیات بود، مورد پذیرش قرار داد.

### لوئی می گریزد

در ژوئن 1791 لوئی شانزدهم به همراه همسرش ماری آنتوانت (۹۳ - ۱۷۵۵) و فرزندانشان سعی در فرار از فرانسه داشتند. آنها در شهر وارن دستگیر، و به پاریس

بازگردانده شدند. این شب که موسوم به «شب وارن» است، تبدیل به نقطه عطفی در انقلاب شد. لوئی حمایت بسیاری از مردمی را که تا آن زمان به او وفادار بودند از دست داد. در آوریل آینده دولت انقلابی علیه اتریش و پروس اعلان جنگ داد.

### نظام پادشاهی از بین می رود.

بعد از قیام اوت ۱۷۹۲ و انتخابات ماه بعد، مجلس جدید پر از سر سخت ترین دشمنان لوئی شد. لوئی به اتفاق همسرش و فرزندانش به زندان افکنده شد و در ۲۱ سپتامبر مجلس رای به انحلال پادشاهی داد. پادشاه متهم به خیانت شد و در ۲۱ ژانویه 1793 اعدام گشت .

### دوره وحشت

طولی نکشید که شورشهای بزرگی علیه انقلاب در بخشهای مختلف فرانسه آغاز شد. انقلابیون افراطی موسوم به ژاکوبین ها به رهبری ماکسیمیلین روبسپیر (1758- 94) قدرت را در دست گرفتند. افراطیون با دستگیری تمام دشمنان انقلاب، سعی در کنترل اوضاع داشتند. «دوره وحشت» آغاز گشت و مردم فرانسه در وحشت از دست دادن جان خود زندگی می کردند.

### پایان وحشت

در بسیاری از جهات، پایان دوره وحشت در ژوئیه ۱۷۹۴، پایان انقلاب نیز محسوب می شد. یک دولت ضعیف موسوم به «راهنما» قدرت را در اختیار گرفت. در سال ۱۷۹۹، یک ژنرال جاه طلب فرانسوی به نام ناپلئون بناپارت (۱۷۶۹- ۱۸۲۱) فرمانروای فرانسه

شد. وی در سال ۱۸۰۴ خود را امپراتور فرانسه خواند. سالهای دموکراسی فرانسه به پایان رسیده بود، اما هنوز شعار اصلی انقلاب «آزادی، برابری، برادری» به مردان و زنانی که در سرتاسر دنیا در جستجوی آزادی و عدالت بودند روحیه می داد.

### دوره وحشت

در سال ۱۷۹۳م یک گروه افراطی به رهبری روبسپیر قدرت را در پاریس بدست می گیرد. این گروه هر کسی را که تهدیدی برای انقلاب محسوب می شد، دستگیر و اعدام می نمود. حدود ۳۵۰۰۰ نفر، از جمله رهبر محبوب، دانتون، در این کشتارها از بین رفتند. دوره وحشت با اعدام روبسپیر در ژوئیه ۱۷۹۴ پایان یافت.

### حقایق ثبت شده

انقلابیون سعی در تغییر نحوه اداره فرانسه داشتند. از مردم خواسته شده بود تا همدیگر را بجای «مادام» و «موسیو» همشهری خطاب کنند. یک تقویم جدید درست شد. سال اول این تقویم از ۲۲ سپتامبر ۱۷۹۲ شروع می شد و به ماهها نامهای جدید، نظیر برومر (مه آلود) و ترمیدور (گرم) داده شده بود. این تغییرات مدت زیادی دوام نیافتند. اما تغییرات دیگری از قبیل به کار گرفتن سیستم اندازه گیری «متریک» و استفاده از فرانک فرانسه به عنوان پول رایج کشور، دوام یافتند.

### چرایی وقوع انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران علل چهارگانه وقوع انقلاب را، در نوع نیرومند آن نشان داد:

۱- نارضایتی عمیق از شرایط حاکم با شاخص هایی مانند خستگی و تنفر مردم از وعده تکراری و دروغین رسیدن به دروازه های تمدن بزرگ شاه و شعارهای طردکننده رژیم مانند مرگ بر شاه و نظام شاهنشاهی نابود باید گردد، آشکار بود. برخلاف همه یا بیشتر انقلابهای معاصر که تنها گروههای خاصی در آنها شرکت داشتند در ایران اکثر قریب به اتفاق جمعیت کشور از رژیم پهلوی ابراز تنفر می کردند. با توجه به این واقعیت که ناخشنودی مردم با جنبه های فکری و عقیدتی آمیخته گردید می توان گفت نارضایتی در ایران از دیگر انقلابهای معاصر شدیدتر و عمیق تر بود.

۲- گسترش و پذیرش اندیشه و ایدئولوژی جدید جایگزین در انقلاب اسلامی با شاخص شعارهای انقلابیون در بیان آرمان های جدید که در تظاهرات های خیابانی، سخنرانی ها و نوشته های زمان وقوع انقلاب دیده می شد و بی توجهی همگانی به شعارهای گروههای غیر اسلامی به رغم تبلیغات گسترده آنها قابل مشاهده بود. به طور کلی، در پی شکست مارکسیسم و ناسیونالیسم، با تلاش گروههای اسلامی، اندیشه احیای دین و بازگشت به خویشتن روز به روز نیرومند تر شد و کسانی که در انقلاب شرکت جستند به اینکه ایدئولوژی اسلامی باید جایگزین ایدئولوژی قدیم حاکم گردد، معتقد گردیدند.

از سوی دیگر جمعیت پذیرنده آرمانهای انقلاب اسلامی نیز که بر خلاف سایر انقلابهای معاصر بسیار بود، به گونه ای که می توان گفت جز بخشی از روشنفکران که با عقاید مارکسیستی یا لیبرالی در انقلاب شرکت داشتند و عموم مردم از آرمانهای اسلامی و اندیشه های امام خمینی طرفداری می کردند. افزودن بر این اصالت فرهنگی ایدئولوژی انقلاب ایران از تفاوتهای عمده انقلاب اسلامی با دیگر انقلابهای معاصر است .



۳- در وقوع انقلاب اسلامی، وجود نوعی رهبری ویژه همراه با ساختارهای خاص نقش آفرین مانند نهاد روحانیت، شبکه مساجد و انجمن های اسلامی نیز آشکار بود.

رهبری هوشمند و بلامنازع امام خمینی، اعتماد خاص مردم به وی و پیوند دینی و تاریخی روحانیت و مردم وضعی استثنایی پدید آورد و به موفقیت سریع در برانگیختن نارضایتی از وضع موجود، گسترش آرمانهای انقلاب اسلامی، ایجاد و گسترش روحیه انقلابی و بسیج عمومی انجامید. شعارهایی مانند «نهضت ما حسینی است رهبر ما خمینی است» «حزب فقط حزب الله رهبر فقط روح الله»، «تا خون در رگ ماست خمینی رهبر ماست» بر پذیرش همگانی رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی گواهی دهد .

۴- روحیه انقلابی در انقلاب اسلامی با شاخصهایی چون عدم تسلیم انقلابیان در برابر اقدامات فرمیستی رژیم شاه؛ (مانند تغییر نخست وزیران، آزادی زندانیان سیاسی و آزادیهای کنترل شده مطبوعات) و بی توجهی آنان به اقدامات سرکوب گرانه (مانند حکومت نظامی) مشخص می شود .

برای کاوش در زمینه چگونگی وقوع انقلاب اسلامی مانند هر انقلاب دیگر باید به تاریخ کشور مرجوع کرد. از سوی دیگر، در بحث چگونگی وقوع انقلاب، توجه به ماهیت انقلاب بسیار راه گشا می نماید. ماهیت دینی انقلاب اسلامی و پیروزی سریع آن که با این ماهیت ارتباط دارد بازگو کننده نقش مهمتر تعدادی از علل مربوط به علت‌هایی مانند دین مبین اسلام، مذهب تشیع و ویژگی ظلم ستیزی و عدالت خواهی آن، نهضتها و حرکت‌های شیعی گذشته، مراسم مذهبی (عزاداری در ماههای محرم و صفر به ویژه روزهای تاریخی تاسوعا و عاشورا حسینی)، نهاد روحانیت و ارتباط دائمی آن با مردم

و رهبری هوشمند و قاطع امام خمینی. در حقیقت فرهنگ مذهبی مردم ایران به رغم نموده‌های آشکار فرهنگ پرزرق و برق غربی، نهادهای فرهنگی تاریخی و رهبری امام خمینی در ایجاد و پیروزی سریع انقلاب نقش اساسی داشت. چگونگی وقوع انقلاب اسلامی است.

### انقلاب آلمان

در بهار سال ۱۸۴۸ در آلمان انقلابی صورت گرفت و این نخستین انقلاب آلمان بود و بسیاری از مسایلی که در پایان سده هجدهم در فرانسه حل شده بود، برای اولین بار در آلمان به وجود آمده بود.

مبرم ترین وظیفه، یکپارچه شدن کشور و تاسیس دولتی از مردم آلمان بود زیرا این کشور از سی و هشت دولت تشکیل گردیده بود و همگی شاهزادگانی که بر مناطق سی و هشت گانه فرمان می راندند غالباً با یکدیگر در حال جنگ بودند و سرانجام در ماه مارس ۱۸۴۸ نسیم این انقلاب و اتحاد برای اولین بار در بادن، باواریا، وهسن و دارمشتات وزید و شعارهای اصلی تظاهر کنندگان وحدت آلمان و آزادی بود و سرانجام در ماه مه ۱۸۴۸ مجلس موسسان سراسری آلمان در فرانکفورت آلمان تشکیل گردید اما سخنرانی ها و بحث های طولانی کاری از پیش نبرد و بعد از وقایع بسیار در ماه ژوئن ۱۸۴۹ پارلمان فرانکفورت تعطیل کامل و ضد انقلاب پیروز گردید.

### انقلاب آمریکا

مجموعه رویدادها و اندیشه‌ها و تغییراتی که منجر به جدائی سیزده ایالت آمریکای شمالی از بریتانیا شد به انقلاب آمریکا معروف است. زمان آغاز و پایان این انقلاب

مورد بحث است ولی عموماً سال ۱۷۵۷ میلادی را سال شروع آن و سال ۱۷۸۹ و ریاست جمهوری جرج واشنگتن را پایان آن می‌شمارند.

## منابع و ماخذ

۱.اطلاعات عمومی/عبدالحسین سعیدیان

۲.فرهنگ علوم سیاسی/محمد رضا بابایی

۳.سایت اینترنتی [www.wikipedia.org](http://www.wikipedia.org)

۴.سایت اینترنتی [www.roshd.ir](http://www.roshd.ir)